

حکایت تلخ سپتامبر سیاه

۱۷ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۴

استعمار پیر بریتانیا که در ۲۴ ژوئن ۱۹۲۲ میلادی (مهرماه ۱۳۰۱ ه. ش) سند قیمومیت خود بر فلسطین را در جامعه ملل به تصویب رساند با تغییر رویکرد در سیاست استعماری درصدد برآمد با هزینه‌ای به مراتب کمتر، اوضاع و احوال کشورهای مستعمره را بر سر انگشتان دیگران تدبیر کند.

از این رو در سال ۱۹۴۷ میلادی (۱۳۲۶ ه. ش) به سازمان ملل متحد اعلام کرد که دوران قیمومیت او بر فلسطین به اتمام رسیده و درخواست راه‌حل کرد. سازمان ملل هیاتی ۱۱ نفره از کشورهای استرالیا، کانادا، چک و اسلواکی، گواتمالا، هند، ایران، هلند، پرو، سوئد، اروگوئه و یوگسلاوی را برای طرح تقسیم فلسطین بین مسلمانان و یهودی‌ها به فلسطین فرستاد. در نهایت تقسیم فلسطین با ۷ رای موافق از ۱۱ رای به سازمان ملل ارائه و در سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل با فشار شدید آمریکا و همکاری شوروی سابق طرح تقسیم فلسطین را به ۳۳ رای موافق در برابر ۱۳ رای مخالف و ۱۰ رای ممتنع در قطعنامه شماره ۱۸۱ به تصویب رساند. در این قطعنامه ۵۶ درصد خاک فلسطین به یهودی‌ها واگذار شد. ۱.

سرانجام در ۱۴ می ۱۹۴۸ میلادی (۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۷ ه. ش) با خروج نیروهای انگلیسی از فلسطین و قبول طرح تقسیم فلسطین توسط سازمان ملل، بن‌گورین تاسیس دولت صهیونیستی یهود را در فلسطین اعلام داشت. ۲.

بریتانیایی‌ها این نسخه را برای سایر کشورهای منطقه نیز تجویز کردند و با به کار گماردن مهره‌های دست‌نشانده‌ای همچون ملک عبدالله در اردن و ملک فیصل در عراق از حضور مستقیم نیروهای نظامی، مستغنی شدند.

ملک عبدالله که در جنگ جهانی اول همراه انگلیس علیه دولت عثمانی (ترکیه امروز) می‌جنگید به کمک انگلیسی‌ها در کشور اردن تاجگذاری کرد و به سلطنت رسید. برادر ملک عبدالله یعنی فیصل نیز توسط وینستون چرچیل پس از همکاری با انگلیس علیه ترک‌های عثمانی در جنگ جهانی اول به سلطنت عراق رسید. به عبارت دیگر بریتانیا ۲ برادر را در منصب حکومت عراق و اردن قرار داد.

انگلیس و آمریکا به عنوان حامیان اصلی رژیم صهیونیستی اسرائیل برای هرچه قدرتمندتر شدن صهیونیست‌ها نقشه‌ها و طرح‌های مختلف و متفاوتی را پی‌ریزی کردند و دست‌نشاندهایی چون ملک حسین ۳ گاه با جنگ و گاه با صلح به آنچه که استعمارگران از

او می‌طلبیدند جامه عمل می‌پوشاند و از این رهگذر اسرائیل تنها کشوری است که از جنگ و صلح آنان در منطقه بهره‌مند می‌شد.

استعمارگران بدرستی دریافته بودند اساسی‌ترین راهی که منجر به شکستن مقاومت فلسطینی‌ها می‌شود گرفتن هویت فلسطینی آنهاست. از این‌رو ملک عبدالله پادشاه اردن به خواست آمریکا و بریتانیا، کرانه باختری را به خاک اردن اضافه کرد؛ منطقه‌ای که جزو فلسطین بود. همه اینها برای آن بود که مردم آن منطقه هویت فلسطینی خود را بدهند و تبعه اردن شوند تا مقاومت را فراموش کنند و پس از چندی در سال ۱۹۶۷ ملک حسین، کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را بدون هیچ مقاومتی تسلیم اسرائیل کرد. در راستای سیاست هویت‌زدایی از آوارگان فلسطینی در سال ۱۹۴۹ قطعنامه‌ای به شماره ۵۶ در اردن هاشمی تصویب شد که طی آن اعلام شد، اشخاصی که در سرزمین اردن هاشمی می‌باشند، واجد ملیت اردن محسوب می‌شوند و در نتیجه از حقوق و تکالیف اهالی اردن برخوردار می‌گردند. دولت اردن مقررات این تصمیم را در قانون مارس ۱۹۵۴ در مورد ملیت تکرار کرد. از نص این قانون چنین استنباط می‌شود که هر کس قبلا تا تاریخ ۱۵ می ۱۹۴۸ دارای ملیت فلسطینی بوده و در حین نشر این قانون در کشور پادشاهی اردن هاشمی اقامتگاه دائمی داشته باشد اردنی محسوب می‌شود. ۴

مهاجران فلسطینی که در اردن ماندگار شدند به مرور زمان با حل شدن در جامعه اردن و حتی بعضا با نفوذ در ارکان اداری این کشور جذب سیاست‌های حاکم بر اردن شدند

مهاجران فلسطینی که در اردن ماندگار شدند به مرور زمان با حل شدن در جامعه اردن و حتی بعضا با نفوذ در ارکان اداری این کشور جذب سیاست‌های حاکم بر اردن شدند و زندگی مسالمت‌آمیز و بدون دغدغه خاطر و کار و امرار معاش روزانه را جایگزین مقاومت ضداسرائیلی و مبارزات مسلحانه علیه نیروهای صهیونیستی کردند. ۵

اما با توجه به تمامی تمهیداتی که آمریکا، بریتانیا و سایر متحدانشان به کار بستند توفیق چندانی نصیبشان نشد، چرا که بسیاری از فلسطینی‌ها کماکان بر مواضع خود باقی ماندند و به مبارزات خود ادامه دادند.

چریک‌ها و فداییان فلسطینی مستقر در اردن به مبارزاتی دامنه‌دار با صهیونیست‌ها دست یازیدند، البته این مبارزات بدون هماهنگی‌های لازم با رژیم اردن صورت می‌گرفت و طبعا جدای از این که نظم داخلی اردن را مختل کرده بود باعث زد و خوردهای مرزی و بمباران مراکز و روستاهای اردن توسط اسرائیل می‌شد. در این رابطه مقام‌های اردنی برای چاره‌جویی این مساله به طور مکرر با سران عرب تماس گرفته و با تشریح وضع داخلی کشور از آنان خواستند تا سازمان‌های فلسطینی را از مداخله در امور داخلی اردن باز دارند، اما تماس با سران عرب خصوصا جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور وقت مصر نتیجه‌ای برای کشور اردن در پی نداشت، بعلاوه نیروهای فلسطینی که در شهرها و پایتخت اردن حضوری پررنگ داشتند حاضر نبودند به طور مسالمت‌آمیز شهرها را تخلیه و قدرت را به دست ارتش اردن بسپارند. از دیگر سو شایع شده بود که کشورهای سوسیالیست عرب به طور غیرمستقیم از سران چریک‌های فدایی فلسطینی و رهبر سازمان فتح برای برانداختن رژیم اردن پشتیبانی می‌کنند. ۶

باید اذعان داشت که فلسطینی‌ها در درون کشور اردن دولت موازی تشکیل داده بودند؛ آنها دادگاه و زندان داشتند و مخالفین و متمردين از دستورها و قوانین‌شان را بازداشت می‌کردند.

مشکلات دولت مرکزی اردن با فلسطینی‌ها به این موارد محدود نمی‌شد بلکه نیروهای فلسطینی با یکسری اشتباهات همچون هواپیماربابی توسط گروه «ودیع حداد» در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۷۰ یا دستگیری روزنامه‌نگاران در هتل «اینتر کانتینانتال» در امان به بحران پیش آمده دامن زدند.

دولت مرکزی اردن در فوریه ۱۹۷۰ طی فرمانی رسمی از رفت و آمد کماندوهای فلسطینی مسلح جلوگیری به عمل می‌آورد که این امر موجب زد و خورد میان ارتش شاه حسین و کماندوهای فلسطینی در نزدیکی امان می‌شود و در آن درگیری ۳۰ نفر کشته و زخمی می‌شوند، همچنین دستور دولت منع تظاهرات و چاپ نشریات بدون مجوز، فعالیت احزاب سیاسی و داشتن سلاح و مواد منفجره را نیز شامل می‌شد که البته از سوی گروه فتح، بزرگ‌ترین گروه کماندویی که در اردن حضور داشتند با اعتراض مواجه می‌شود؛ چرا که آن را اقدامی از سوی ایالات متحده برای خلع سلاح فلسطینیان محسوب می‌کند. ۷

در این میان دو طرف درگیری به تقویت نیروی نظامی خود مشغول شدند. دولت اردن یک سازمان نظامی مرکب از افراد داوطلب غیرنظامی به نام نیروی مخصوص برای جنگ‌های احتمالی و غیرمنظم خیابانی به منظور مقابله با چریک‌های فلسطینی تشکیل داد و سرلشکر ناصرالدین به فرماندهی این نیروها گماشته شد و تعداد آنها تا ۳۰ هزار نفر افزایش یافت، از آن سو تعداد نیروهای سازمان‌های فلسطینی در شروع جنگ‌های داخلی با ارتش اردن بالغ بر ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر بود و همچنین کمیته مرکزی سازمان نجات فلسطین ستادی برای نیروی ۵۰ هزار نفری شبه نظامی (میلیشیا) از غیر نظامیان فلسطینی مقیم این کشور به وجود آورده و این افراد غیر نظامی را به تدریج تحت آموزش کماندویی قرار داده بود. ارتش ۶۰ هزار نفری اردن از داخل کشور با هزاران نفر نیروهای عراقی و چریک فلسطینی و شبه نظامی میلیشیا مواجه بود. از خارج نیز یک لشکر سوری در مرز اردن، امنیت این کشور را تهدید می‌کرد. نیروی هوایی دو کشور سوریه و عراق آمادگی خود را برای دفاع از چریک‌های فلسطینی اعلام داشته بودند و مصر نیز دورادور با پشتیبانی سیاسی، نیروهای فلسطینی را تقویت می‌کرد. دفتر مرکزی سازمان فتح در امان که بعد از نبرد کرامه حضور سیاسی - نظامی خود را در اردن تثبیت کرده بود به منظور تحریک افکار عمومی، دولت اردن را به سازش با اسرائیل متهم کرد و مدعی شد که مقام‌های اردنی به علت همکاری با ارتش اسرائیل، از عملیات چریک‌های فلسطینی علیه نیروهای اشغالگر جلوگیری می‌کنند.

زدوخوردهایی که بین ارتش اردن با چریک‌های فلسطینی یا ارتش سوریه در شهرهای امان، زرقاد، اربد، رمثاء، جرش و سلط پیش می‌آمد باعث شد تا رژیم اردن مدعی شود کشورهای سوریه، عراق، سازمان‌های فلسطینی چپی به رهبری جورج حبش و نایف حواتمه آتش‌افروزان جنگ‌های پراکنده داخلی در اردن هستند. این زد و خوردها تا سپتامبر ۱۹۷۰ هیچ‌گاه به طور جدی متوقف نگردید و روزبه‌روز دامنه عملیات آن وسعت یافت تا به صورت یک جنگ عمومی داخلی درآمد. در سحرگاه ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰

نیروهای زمینی اردن شهر امان را که در تصرف فلسطینیان بود زیر آتش توپخانه و خمپاره‌انداز گرفت و تانک‌ها از غرب به سوی داخل شهر شروع به پیشروی کردند. سایر واحدهای ارتش، حلقه محاصره شهر را تنگ‌تر کردند و کلیه معابر و راه‌های ورودی به پایتخت را بستند. چریک‌های فلسطینی سخت مقاومت می‌کردند و متقابلاً کاخ سلطنتی، ادارات و سفارتخانه‌های خارجی را زیر آتش خمپاره‌انداز ۸۰ و ۱۲۰ میلی‌متری گرفته بودند. طی ۲ روز نبرد بیش از نیمی از شهر به دست ارتش اردن افتاد.

رئیس‌جمهوری عراق و دولت سوریه، اردن را تهدید کردند که اگر دست از حمله علیه چریک‌های فلسطینی بر ندارد اقدامات شدیدی علیه دولت اردن انجام خواهند داد، ولی ملک حسین که حمایت آمریکا را به همراه داشت به این تهدیدها توجهی نکرد و به حملات خود ادامه داد. با حملات نیروی هوایی اردن، نیروهای عراقی به پادگان‌های تعیین شده خود بازگشتند و از مداخله مستقیم در جنگ خودداری کردند، ارتش سوریه نیز با مشاهده آثار شکست به نیروهایش دستور عقب‌نشینی داد. ۸.

سرانجام در ۲۴ سپتامبر ۴ تن از رهبران چریک‌ها به شرایط صلح تسلیم می‌شوند و یاسر عرفات رهبر «فتح» دستور آتش‌بس سراسری را صادر می‌کند. ۹.

در اسفندماه ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) شورای ملی فلسطین در قاهره تشکیل جلسه داد، مهم‌ترین موضوعی که در این اجلاس مطرح شد تشکیل جبهه واحدی از کلیه سازمان‌های فلسطینی و الحاق چریک‌ها به ارتش نجات فلسطین بود. تعداد افراد ارتش نجات فلسطین بین ۷ تا ۱۰ هزار نفر تخمین زده می‌شد. در این اجلاس موضوع اتخاذ روش سیاسی واحد از جانب همه سازمان‌های مقاومت فلسطینی مطرح شد و چگونگی روابط آن با دولت اردن مورد بررسی قرار گرفت. در پایان این اجلاس ضمن چشم‌پوشی از وقایع اتفاقیه، تصمیم گرفته شد برای متوقف ساختن زد و خوردها بین نیروی مقاومت فلسطینی و ارتش اردن نسبت به رعایت مفاد قرارداد قاهره و عمان تلاش شود. ۱۰.

البته گروه‌های درگیر به مفاد قرارداد قاهره چندان پایبند نماندند چرا که پس از اتمام اجلاس قاهره ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰ جمال عبدالناصر نیرومندترین رهبر جهان عرب و رئیس‌جمهور مصر در اثر حمله قلبی از دنیا رفت و در ۱۷ اکتبر معاون رئیس‌جمهوری، انور سادات به جانشینی او برگزیده شد و به این ترتیب نیروهای جهادی فلسطینی یکی از حامیان اصلی خود را از دست دادند.

منابع:

- ۱ - درینیک، پی‌یر، خاورمیانه در قرن بیستم، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: جاویدان، ۱۳۶۸، ص ۱۸ ۲ - احمدی، حمید، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران: موسسه کیهان، ۱۳۶۹، ص ۲۴۴ ۳ - در سال ۱۹۵۳ میلادی در ۱۸ سالگی پس از آن که پدرش ملک طلال به علت بیماری روحی کناره‌گیری کرده بود به سلطنت رسید. وی پس از ملک عبدالله و ملک طلال سومین پادشاه اردن هاشمی بود ۴ - صفا تاج، مجید، فرهنگ جامع فلسطین، انتشارات سفیر اردهال، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۵
- ۵ - همان، ج ۱، ص ۵ - ۲۸۴ ۶ - همان، ج ۱، ص ۲۸۲ ۷ - گروه نویسندگان زیر نظر جان باومن، روزشمار تاریخ قرن بیستم، ترجمه یحیی افتخارزاده، انتشارات هیرمند، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۴۲۶ ۸ - صفا تاج، مجید، فرهنگ جامع فلسطین، ج ۱، ص ۲۸۲

۹ - گروه نویسندگان زیر نظر جان باومن، روزشمار تاریخ قرن بیستم، ص ۴۲۸ - صفا تاج، مجید، فرهنگ جامع فلسطین، ج ۱، صص ۲۸۴ - ۲۸۳.

منبع: جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۰۴۲/سپتامبر-تلخ-حکایت>